

## «درون دل»

درون دل که پیدا نیست

بیا با هم به آن سفر کنیم

چه زیبا است زیستن ، چون من از یک اندیشه انسانی و الالخصوص از یک برنامه بهتر برای ساختن یک دنیائی بهتر برخوردارم . به همین اعتبار زیستن و ادامه حیات برای من جزیائی بسیار زیبا و خاصی دارد. عشق به زیستن در گرو یک اندیشه پاک که ارزشهای انسانی در آن نهفته باشد زیباست . آنگاه برای تحقق رویاهایم به واقعیت چه زیبا به هر سو نگاهی می اندازم و عاشق تر از همیشه در رویا هایم قشنگترین دنیا را که در آن انسانها بدون تبعیض ، بدون نابرابری ، بدون آن که قومیتی و ملیت ، جنسیتی و نژاد در برابر اعظمت انسانیت بتوانند کوچکترین تاثیری داشته باشند، در یک دنیای انسانی چقدر لذت بخش و زیبا است زیستن . من عاشقانه می گویم ، می گویم آنچه را در دل جای دارد . در این مقاله قصدم مجادله نیست . تبلیغ و ترویج هم نیست ، فقط عشقم را ، رویاهایم را در پروازی دوباره ، جانی دوباره به آن می بخشم . عشق به انسانیت را در مکتب حکمت آموختم ، به همین اعتبار من کمونیستم ، آن برگ نازگی از درخت تنومند و بزرگ کمونیست کارگری ، افتخارات زندگیم تنها عنصویت من در این حزب صاحب نفوذ کمونیست کارگری است ، درحزبی عشق به زیستن را آموختم که صاحب یک اندیشه غنی از ارزشها انسانی است ، حزبی که خواهان لغو حکم اعدام در هر شرایطی و بنا به هر دلیلی که باشد ، حزبی که رفاه و آزادی را ، انتخاب و نوع زیستن را با نرمهای بالا شایسته انسانها می داند، حزبی که در آن عواطف ، عشق ، دوستی ، احترام به حقوق بشر را حق مسلم انسانها می داند ، حزبی که ضد قدرت است و اساس آن بنای عشق به انسانیت است ، حزبی که منصورحکمت آن را ساخت ، حزب منصور حکمت ، من نیز حکمتی هستم از این روست که عاشقانه به درون دل سفر می کنم و راز آن را آشکارا بر زبان می رانم . در این دنیای نابرابر ، در این دنیای پر از جنگ ، در این دنیای که بشریت در آن مورد تحقیر و توهین قرار می گیرد ، دنیای که ارزشهای انسانی قابل معیار

نیست ، توحش و جنایت در آن جای دارد ، سکوت و بی طرفی هر انسان ناراضی در این دنیا به دور از خرد است . پول جای ارزشهای انسانی قرار دارد ، مرگ و میر انسانها به دلیل فقر، بی حرمتی و تجاوز هر روزه به انسانها ، وجود زندانها ، ریختن خروارها بمب بر سر انسانها در گوشه و کنار این دنیا ، این دنیا را نمی خواهم ، بدون شک نظام سرمایه داری است که تمام بدبختیها را بوجود آورده است . در ایران اسلامی، با قوانین بربریتش که هر روز جنایتی می آفریند مورد حمایت سرمایه داری جهانی است . بی دلیل نیست امروز جنایتکاران تاریخ ، وحشیهای معاصر چون رفسنجانی ها ، خامنه ای ها ، خاتمی ها لقب سردار سازنده گی و دگر اندیشه می گیرند و ساده دلان در انتظار رفرم ازخاتمی و درکمال بی شرمی از او ارسطو می سازند. گاهی اوقات در فکر خود فرو می روم ، چه تلخ به شعور بی شعوری این آدمهای بی خبر از راز دنیا که چه ساده ، جانی را تحسین می کنند و برایش آبرو می خرند ، می اندیشم، روی سخنم نه تنها انسانهای ساده دل و تاریک اپوزیستونما ، بلکه آن دسته از انسانها که به دلیل پست و مقام یا به دلیل جهالت مذهبییشان مورد بازیجه مقامات جمهوری اسلامی شدند و در کمال بی شرمی در رسانه های این حکومت کثیف ظاهر می شوند و حکم اعدام را تحسین می کنند و جانی را در پیش برد جنایتش مورد ستایش قرار می دهند ، بی اطلاع از مرگ اسلام که برای همیشه به زباله دان تاریخ ریخته می شود، باید به آنان گفت آن چهره منفور تان در ذهن انسانها باقی خواهد ماند و هیچ وقت مردم به جان آمده ازگناهانتان به خاطر تحسینتان از جنایت جمهوری اسلامی شما را نخواهند بخشید . در صحنه اعدام پنج نفر در ملاء عام توسط جمهوری اسلامی در تهران که اعدام شدند ، به اعتراف خود این حکومت کثیف و ضد انسانی همه اش دو هزار نفر جمع شده بودند در حالیکه نفوذ جمعیت تهران بالغ بر پانزده میلیون است ، واقعیت اینکه مردم از این نظام نفرت دارند ، این مردم خواهان لغو حکم اعدامند و طرفدار انسانیتند ، البته جبهه کمونیست کارگری بسیار قوی و در تحقق خواسته های انسانی بسیار پیش تازند . واقعیت این است که انسانها می تواند برابر طلب باشند، انسانها دارای احساس و صاحب عشقند ، قطعاً بعد از این که سیستم حکومت اسلامی را در زباله دان تاریخ ریختیم وبا

آخرین وداع ، اسلام سیاسی را دفن کردیم ، جمهوری سوسیالیستی به دلیل انسانی بودن ایده هایش ، به دلیل برابری و پرچم دار ارزشهای انسانی ، حکومت ایده آل آن مردم خواهد بود و به اعتبار همان مردم نظام شورائی در ایران فردا تشکیل یک حکومت به تمام معنای انسانی ، حکومت فردای ایران است در آن شکی نیست . روزنه ای که امروز نورش پیداست ، نوری که در دل شب در گذر است تا مهتاب زیبائی روشنائیها باشد از تلاش بی وقف حزب ماست . به شکل و ساختار حزب کمونیست کارگری وقتی نگاه می کنیم ، برای من که کادر و رهبران حزب را از نزدیک می شناسم ، در طول بیست سال به عنوان شاهد عینی که نوع زندگی آنها را دیدم و می بینم چقدر صادقانه به خاطر اندیشه کمونیست کارگری ، این اندیشه پاک و انسانی ، چه رنج ها را تحمل کردن ، به خاطر بار و کردن ارزشهای انسانی ، چه سختیها و چه رنجها را به جان خریدن و سوختن ، از سوختن همین کادر و رهبران حزب ماست که امروز شعله ها پیداست نور امید رهای در دل مردم جان گرفته و سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم آورده است ، بدون شک اگر رهبران و کادر ها خاطر های خود را بر کاغذ بیآورند هر یک از آنها حماسهای است اف تاریخی ، این ها فرزانه گان یک شرایط تاریخی دوران ماست که تاریخ گواهی خواهد داد . امروز که جبهه کمونیست کارگری روز به روز قوی و قویتر می گردد نشان بر حق بودن یک گرایش فکری و انسانی حزب ماست . آنچه را بیان می کنم و به آن افتخار می ورزم فقط گوشه کوچکی از واقعیت حزب ماست ، واقعیتی که هزاران شعله فروزان از آن برخاسته است ، قابل لمس است ، دیدنی است ، اگر هر کسی ریگی به کفش نداشته باشد و به دور از کینه و کدورت به آن نگاه کند می تواند ببیند ، چون خورشید تابناک از دور می درخشد . حقیقت دیگری که باید به اعتراف کنم حزب کمونیست کارگری برای من مقدس است و قابل ستایش ، تا پای جان از آن دفاع می کنم ، دفاع از این حزب ، دفاع از ارزشهای انسانی است . هر انسان آگاه برای تحقق ارزشهای انسانی باید به این حزب ملحق شود ، باید به آن کمک کند ، اگر قرار است فردا بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی ، ایرانی بسازیم که در آن ارزشهای انسانی جزو سنت و

فرهنگ آن جامعه باشد ، فقط در توان کمونیست کارگری است،

قتل یک انسان به دست جلاد

پند و اندرز بهر یک خطاست

این دنیا :

چه آشفته سر پاست یکی جابر یکی اسیر

می گویند:

آفرینش فقط خداست چه بی مایه ، چه جانی

غرق حماقت ها این خداست

نه من بنده او نه اوست خالق من

زین رو پند و خردش برای من نابجاست

من گفتم :

ssalwati@ aol..com

این دنیا چه ورانه سر پاست

شمس الدین صلواتی 13,oktober 00,2